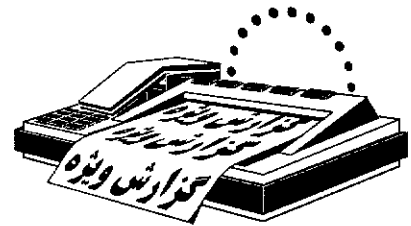


بررسی نقش عوامل موثر در توسعه

دانیایی

مهمترین ابزار توسعه



بخش پایانی

گروه گزارش: علیرضا محبی آشتیانی - الهام علی پور

اشاره

در بخش نخست این گزارش اشاره شد که با نگرش و توجه به فناوریهای جدید می توان مفهوم توسعه پایدار را در کشور اجرایی و محقق ساخت و نیز گفته شد که تحقق این توسعه در سایه فناوری نانو میسر است یعنی فناوری نوینی که این توانمندی را دارد تا تولید مواد، ابزارها و سیستم های جدید را با در دست گرفتن سطوح ملکولی و اتمی آنها، کنترل نماید.

امروز نقش نانوتکنولوژی بر مسایل مهمی چون الکترونیک، انرژی، کامپیوتر، محیط زیست، مسایل پزشکی و مواد غذایی بر کسی پوشیده نیست تا آنجا که کشورهای بزرگ صنعتی سرمایه گذاریهای چندین میلیون دلاری خود را متوجه این فناوری کرده اند.

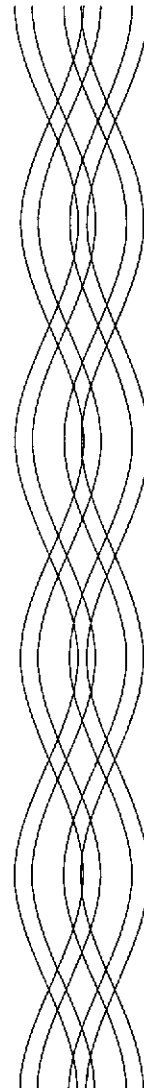
به طور کلی نانوتکنولوژی رویکرد جدیدی است که در مقابله با آلاینده های به جا مانده در محیط زیست بر اثر فعالیت سایر تکنولوژیها به کار گرفته می شود که بسیار بر علم، تکنولوژیها و صنایع اثرگذار است. چرا که چنین دستاوردی می تواند در عرصه منابع طبیعی، انرژیها، آب و خاک تحولات شگرفی بیافریند و در رفع یا کاهش آلاینده های هوا و فاضلاب های صنعتی مورد استفاده قرار گیرد.

اسامی برخی از محققان و کارشناسان مسایل توسعه که در این گزارش نقش ارزنده ای را ایفا کرده اند و دعوت تدبیر را برای مصاحبه پذیرفتند به قرار زیر است:

- آقای دکتر فرنوش بهرام پور، معاون دفتر آموزش زیست محیطی سازمان حفاظت از محیط زیست.
- خانم مهندس زهرا جواهریان، مدیرکل طرح و برنامه و اطلاع رسانی سازمان حفاظت از محیط زیست.
- آقای مهندس عمید مرنندی، کارشناس ارشد مدیریت محیط زیست و کارشناس محقق علمی معاونت فرهنگی - اجتماعی شهرداری تهران.

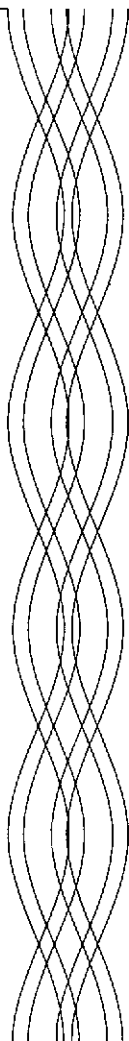
محورهای مورد بحث در این گزارش عبارتند از، دولت و بخش خصوصی در توسعه و حفظ محیط زیست، سازمانهای ارایه دهنده مدارک ISO، دستور کار ۲۱ و دهه آموزش برای توسعه پایدار.

از شما دعوت می کنیم بخش دوم و پایانی این گزارش را مطالعه نمایید.



دولت، صنعتی را جریمه می کند که خود متولی آن می باشد این روش چرخه اقتصادی دولت را محدودتر می کند.

در برنامه چهارم، مواد قانونی طوری برنامه ریزی شده اند که دستگاههای ذیربط، خود به خود در مسایل آموزش، فرهنگ سازی و نیز جلوگیری از تخریب مسایل زیستی نقش داشته باشند.



مصرف کننده به کالا موثر است. آقای مهندس مردی نیز نظر خود را درباره نقش بخش خصوصی و دولتی چنین بیان می کند:

برنامه چهارم توسعه دارای ویژگی متمایزی از دیگر برنامه های تدوین شده است. در این برنامه علاوه بر اینکه وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی برنامه های بخش خود را تدوین نمودند، ۲۸ برنامه مشتمل بر ۱۱۵ آئین نامه و دستورالعمل اجرایی فرابخشی نیز پیش بینی شده است.

ضروری است تا به تدریج تا پایان سال اول برنامه، مشروح هریک توسط سازمانها یا وزارتخانه هایی که توسط هیات دولت مشخص شده است تدوین گردد.

در برنامه چهارم و در بخش دوم به حفظ محیط زیست، آمایش سرزمین و توازن منطقه ای و در فصل پنجم و ششم آن یعنی حفظ محیط زیست و همچنین مواد ۲۹ و ۳۰ مرتبط، توسعه شهری و مانده از برنامه سوم و همچنین مواد فصل هفتم مرتبط با ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی اشاره شده است. فصل پنجم این سند مشتمل بر ۱۳ ماده است که رهنمودهای زیست محیطی موثری را دارا می باشد. در مجموع در برنامه چهارم ۱۶ ماده در خارج از چارچوب سیاستهای زیست محیطی با اصول حفظ و بهره برداری پایدار از محیط زیست مرتبط هستند. در قالب سیاستگزاریها و اجرای برنامه توسعه چهارم، یکی از راههای موثر یاری گرفتن از تشکلهای غیردولتی (NGO'S) و اجتماعات محله ای (CBO'S) می باشد.

این تشکلهای و اجتماعات هم آوا و هم سو با دغدغه های مردم هستند و جدیت و دلسوزی بیشتری را برای انجام امور به خرج می دهند. علاوه بر این مطالب بهترین وسیله ارتباط مردم و دستگاههای مدیریتی هستند، لذا نایستی نقش تشکلهای و اجتماعات محله ای را به عنوان ناظر بر عملکرد تمامی ارکان یک کشور دست کم گرفت. تبلور این مطلب پررنگ نمودن نقش آنها می باشد. چرا که ایشان در ایران قدرت اجرایی ندارند و دلیل آن نوع تعریف

پرسش آخری که در پایان بخش نخست این گزارش با مصاحبه شونده گان مطرح شد درباره وظایف دو بخش دولتی و خصوصی در ایجاد ساختار مناسب برای حفظ محیط زیست طی برنامه چهارم توسعه بود. در ادامه این پرسش و پاسخ آقای دکتر بهرام پور در این باره چنین پاسخ می دهد، دولتها روی توسعه کار می کنند اما شکلهای آن متفاوت است. برای مثال دولت در کره جنوبی با یک شیوه سه رشد صنایع کمک می کند و در هندوستان این کار به شکل دیگر صورت می گیرد یا در برزیل این موضوع یک جور دیگر دنبال می شود. وی می افزاید:

در واقع نمونه های حضور در عرصه نظارتی دولت در فرایند توسعه کاملاً متفاوت است. در مورد کشورمان ایران باید بررسی کنیم که چارچوب کلی حضور و نظارت دولت در امر توسعه و رشد صنایع چگونه باید باشد و به دنبال چه مدلی هستیم.

اما حضور بخش خصوصی به دلیل ریسک پذیری و سرمایه ای که در اختیار دارد و نیز انعطاف پذیری بالای این بخش که در فعالیتهای تولیدی، می تواند در کنار حمایتهای ساختاری و قانونی دولت در امر توسعه کشور بسیار موثر باشد و شرط آن این است که حضور دولت کم کم از تصدی کلان تولیدی کشور کم رنگ تر شود. اما پرسش اصلی این است که بخش خصوصی چقدر می تواند در مسایل مربوط به محیط زیست سرمایه گذاری کند. باتوجه به بستر بین المللی و باتوجه به اینکه سرمایه گذار بخش خصوصی می خواهد کالای تولیدی خود را به بهترین وجه بفروش برساند و در این زمینه هم تضمین اطمینان — به مصرف کننده خود بدهد، به نظر منطقی می آید که در حوزه محیط زیست نیز سرمایه گذاری کند و بار زیست محیطی فعالیت خود را بالا ببرد.

امروز بسیاری از صنایعی که در بخش خصوصی فعالیت می کنند به دنبال مقوله ممیزی های ایزو ۱۴۰۰۰ و ایزو ۱۴۰۰۱ هستند تا گواهینامه های مدیریت محیط زیست بگیرند چرا که این بر کیفیت کالا و نیز بر نگاه مثبت

برنامه چهارم، مواد قانونی طوری برنامه ریزی شده که دستگاههای ذیربط، خود به خود در مسائل آموزش، فرهنگ سازی و همین طور جلوگیری از تخریب محیط زیست نقش داشته باشند. مثل ماده ۶۴، بند «الف» که مربوط به آموزش همگانی زیست محیطی است و آیین نامه آن را شورای عالی حفاظت محیط زیست، به تصویب هیات وزیران رسانده است. طبق این بند و ماده، کلیه دستگاههای ذیربط، رسانه ها و صداوسیما ملزم به همکاری بدون دریافت وجه می باشند.

همین طور تمام دستگاهها ملزم به همکاری با سازمان حفاظت محیط زیست هستند که در بند «ب» ماده ۶۴ به آن اشاره شده است. در بخش صنایع، طرحی تحت عنوان «خوداظهاری زیست محیطی» در بند «الف» ماده ۶۱، برای پایش منابع آلوده کننده ایجاد شده است که کلیه واحدهای تولیدی، خدماتی و زیربنایی براساس دستورالعمل سازمان حفاظت محیط زیست، نسبت به نمونه برداری و اندازه گیری آلودگی ها و تخریب هایی را که ایجاد کرده اند، اقدام و نتیجه را به سازمان حفاظت محیط زیست ارائه می دهند که به رفع آلودگی و کاهش جریمه ها منجر خواهد شد.

تدبیر: قبل از ورود به موضوع آموزش در خصوص توسعه پایدار طی برنامه چهارم، نقش و نگاه سازمانهای ارایه دهنده مدارک ایزو در مسایل زیست محیطی را با آقای دکتر بهرام پور مطرح کردیم. نظر ایشان را در این باره با هم می خوانیم:

- این نهادها نقش مشاوره ای دارند به طوری که براساس رعایت یک سری معیارها و اسلوب های مشخص شده از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور گواهینامه فعالیت در زمینه مشاوره دریافت می کنند. یعنی توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی (امور پیمانکاران) تایید می شوند اما برخی دیگر از این شرکتها هم وجود دارند که ثبت می شوند اما در وهله اول به دنبال اخذ گواهینامه نمی روند این شرکتها بعد از ثبت خود با شرکتهای معتبر بین المللی مثل RWTUV یا SGS یک قرارداد می بندند و

فعالیتهای نهادهای مذکور در قوانین و مقررات است.

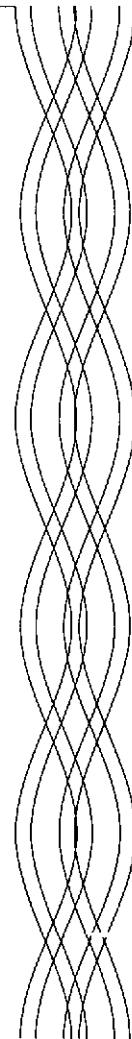
از طرف دیگر بالا بودن میزان تصدیی دولت بر اقتصاد کشور باعث ایجاد کندی در حرکتهای اصلاحی در زمینه حفاظت از محیط زیست شده است. دولت صنعتی را جریمه می کند که خود متولی آن می باشد یعنی گردش بسته مالی. اگر خصوصی سازی در بستر توسعه پایدار رشد شتابانی بگیرد در آن صورت صاحب صنعت مجبور است رعایت ملاحظات زیست محیطی را بنماید چون در غیراین صورت مستقیماً پاسخگوی اعمال خود خواهد بود و جریمه و تاوان تخریب و آلودگسی محیط زیست را راساً می پردازد. در کنار این مباحث نیز حرکتهایی در پیکره دولت برای بهبود عملکرد سازمانهای دولتی در حال شکل گیری است که نمونه آن طراحی و استقرار نظام مدیریت سبز با هدف کاهش هزینه های جاری دولت و اعمال سیاستهای مصرف بهینه منابع و حفاظت از محیط زیست می باشد. تبلور تحقق این موضوع در برنامه چهارم توسعه نمایان خواهد شد. یک نکته نیز حائز اهمیت است که رسالتها و نقش و وظایف هر ۳ قوای مملکتی بایستی یکپارچه و هماهنگ گردد. اگر یکی از این سه قوه در بخشی از وظایف خود کوتاهی نماید، به طور یقین کل سیستم اجرایی ناتوان خواهد بود. چه خوبست در اولین سال اجرای برنامه چهارم توسعه هم اندیشی و همکاری بیشتری را برای تمامی ارکان نظام داشته باشیم. این مهم جز در سایر آگاهی و باور مسئولان در ارتباط با ضرورت حفظ و بهسازی محیط زیست امکان پذیر نخواهد شد و شعارها بایستی به عمل تبدیل گردند. تحقق این مهم در سایه برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک و کلان نگر انجام پذیر است.

نظر خانم مهندس جواهریان نیز در این باره چنین است:

مسلماً حل مشکلات زیست محیطی از عهده یک سازمان به تنهایی خارج است و تمام دستگاههای دولتی و حتی بخش خصوصی وعموم مردم می توانند در حل این مشکلات سازمان را یاری کنند. به همین منظور در

در صورت تطابق سه برنامه قبلی با آنچه که در برنامه چهارم آموخته است، متوجه می شویم که بیشتر مواردی که در دستورالعمل ۲۱ آمده در برنامه چهارم وجود ندارد.

از طریق تعمیم آموزش برای طبقات مختلف اجتماع می توان به توسعه پایدار دست یافت مشروط بر آنکه برنامه ریزان تفکری همه جانبه و جامع را حاکم بر مراحل مختلف مسیر برنامه ریزی خود نمایند.



**باید ارزیابی و نظارت دقیقی بر
چگونگی عملکرد برنامه های
مربوط به استقرار توسعه پایدار در
برنامه های پیشین داشته باشیم تا
نقاط قوت و ضعف هر برنامه
مشخص شود.**

**یکی از مشکلات برنامه های
توسعه، پیش بینی نشدن
راهکارهای عملیاتی برای اجرای
برنامه هاست. در کشور ما هماهنگ
نبودن سازمانهای متعدد برای
آموزش توسعه پایدار، چالش جدی
است.**

دفتری را به نام دفتر «امور برنامه ریزی زیست محیطی» تشکیل دهد. و البته این درخواست بارها از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور شده است اما بی جواب مانده است.

تدبیر: آیا دستور کار ۲۱ در برنامه های توسعه مورد توجه قرار داده شده است؟

- این دستورالعمل که در اجلاس ریو در سال ۱۹۹۲ مطرح شد یک دستور کاری برای کشورها در جهت اعمال برنامه های زیست محیطی برای کشورشان بود و با تایید این سند توسط اغلب کشورها می توان گفت که به صورت یک دستورالعمل جهانی درآمد که در آن در زمینه هایی چون بحوث آموزش و مدیریت مواد، بازیافت، مسائل قانونی و حقوقی محیط زیست مطالبی آمده است اما در مورد اینکه دستور کار بیست و یک اجرا می شود یا نه باید گفت ما نمی گوئیم جزء به جزء دستور کار ۲۱ را باید بیاوریم اما سیستم بین المللی انتظار دارد که در سیستم برنامه ریزی ما به این منویات توجه شود یعنی اینکه وقتی بر امر آموزش یا مشارکت تاکید می کنیم و آنها را در برنامه های توسعه خود می آوریم به این معنی است که حتماً به آنها توجه داریم. در اصل هر کدام از کشورها با توجه به شرایط خود این دستورالعمل را باید مورد توجه قرار دهد.

تدبیر: لطفاً به طور واضح تر میزان استفاده از این دستورالعمل را در هر ۴ برنامه شرح دهید؟

- در مورد استفاده از این دستورالعمل در سه برنامه اول باید بگوئیم بیشتر یک الهام از آن گرفته شده است یعنی به آن بدون توجه هم نبوده ایم اما در برنامه چهارم قضیه فرق می کند، طوری که ما در برنامه، رویکردی همه جانبه را برای محیط زیست تدوین کرده ایم در صورت تطابق آنچه که در برنامه چهارم آمده با سه برنامه قبلی کاملاً متوجه می شویم که بیشتر مواردی که در دستورالعمل ۲۱ آمده در برنامه چهارم نیز وجود ندارد.

دهه آموزش برای توسعه پایدار

فاصله میان سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ که

نمایندگی این شرکتهای بین المللی معتبر را در کشور به عهده می گیرند. ما نیز در سازمان خود یک رشته مجموعه یا فیلدهای کاری داریم که در صنایع با نام «صنعت برگزیده سبز»، «صنعت برنده جایزه ملی محیط زیست» و «صنعت دارای کد ملی محیط زیست» شناخته شده اند. که سازمان از سایر صنایع برای اینکه وارد این فیلدها و مجموعه های کاری سازمان شوند، می خواهد که نظام مدیریت محیط زیست را در سیستم خود حاکم کنند به همین دلیل این صنایع به دنبال مطالعه و استخدام مشاور می روند تا از این طریق سیستم خود را بهینه کنند. پس از این بهینه سازی شرکت ارائه دهنده مدرک ایزو، به ممیزی در این زمینه می پردازد و در صورت مطابقت با معیارهای مورد نظر، گواهینامه را صادر می کند این گواهینامه در زمینه ایزو باعث می شود تا سازمان آن صنعت را به عنوان صنعت سبز و صنعت دوستدار محیط زیست بپذیرد که البته در کنار آن الزاماتی که ما برای رعایت استانداردهای زیست محیطی برای صنایع مطرح می کنیم خیلی مهم است. طوری که این الزامات باعث شده است تا فعالان در عرصه صنعت با سختگیری به دنبال تطابق خود با استانداردها باشند و اصولاً با توجه به این تحولات بود که بعد از تدوین برنامه دوم توسعه، کم کم شاهد ظهور دفاتر محیط زیست در وزارت خانه های صنعتی و تولیدی کشورمان بودیم اما این دفاتر در طول برنامه سوم توسعه وجود نداشتند.

تدبیر: علت این عدم حضور در برنامه سوم چه بوده است؟

- اگر بخواهیم شکایتی در این زمینه بکنیم باید بگوئیم که هنوز دفتر محیط زیست در سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور وجود ندارد و هنوز محیط زیست زیر مجموعه یکی از دفاتر می باشد که باید مستقل بشود به عبارتی محیط زیست آنچنان اهمیتی دارد که براساس آن باید به صورت یک مجموعه در حوزه برنامه ریزی کلان کشور حضور مستمر داشته باشد، اما از آنجا که یکی از مبادی برنامه ریزی کلان کشور، سازمان مدیریت و برنامه ریزی است، به نظر می رسد زمان آن رسیده باشد تا این سازمان

مصادف با آغاز سال ۱۳۸۴ شده است، دهه آموزش برای توسعه پایدار نامیده شده است که همزمان با آغاز برنامه چهارم توسعه در کشورمان می باشد. موضوع آموزش در باب مساله زیست محیطی طی چهارمین برنامه توسعه را با مصاحبه شوندهگان خود مطرح کردیم که دیدگاه هر کدام در ادامه گزارش آمده است:

آقای مهندس مردنی: از طریق تعمیم آموزش برای طبقات مختلف اجتماع می توان به توسعه پایدار دست یافت. مشروط بر آنکه برنامه ریزان تفکری همه جانبه و جامع را حاکم بر مراحل مختلف مسیر برنامه ریزی خود نمایند که از آن جمله رعایت حفاظت از محیط زیست است. مراحل مختلف برای رسیدن به هدف فوق را می توان به صورت ذیل طبقه بندی کرد:

الف - تهیه و سطح بندی برنامه های اجرایی به صورت واقع بینانه و باتوجه به خصوصیات جغرافیایی هر منطقه.

ب - شرح و تفسیر برنامه های اجرایی باید به صورت کامل توضیح داده شوند و محدوده تواناییهای قسمتهای مختلف بر حسب تنوع محیطی مشخص گردد.

ج - استفاده از وسایل ارتباط جمعی در اطلاع رسانی به مردم جامعه که محیط زیست خود را به صورت صحیح شناسایی کرده و نسبت به رفع نیازها و شناخت امکانات آن تسلط کامل پیدا نمایند.

د - انجام ارزیابی و نظارت بر چگونگی عملکرد برنامه های مربوط به استقرار توسعه پایدار در برنامه های پیشین بخصوص برنامه سوم و مشخص نمودن نقاط ضعف و قوت هر مرحله از برنامه.

س - انتخاب و گماردن افراد کارداران برای تدوین برنامه های بخشهای مختلف به طوری که در هر یک از تخصصها، نیروهای مناسب با رشته های تحصیلی خودشان در پیشبرد امر آموزش تا جهت یابیهای منطقی مستقر گردد.

ص - تهیه فهرستی از کلیه تجارب موفق در دنیا که مسیر توسعه پایدار را طی کرده اند.

ط - و بالاخره در برنامه چهارم به صورت

جدی بایستی از طریق آموزش رسمی به خصوص به قشر دانشجو آگاهیهای لازم درباره محیط زیست داده شود و این آموزش از طریق گسترش رشته های فناوری زیستی و فناوری نانو امکان پذیر است، بخصوص که کشور ایران از جهت داشتن منابع طبیعی بسیار غنی می باشد و زمینه های لازم برای توسعه این رشته ها در آن آماده است. این نکته حائز اهمیت است که آموزش مبانی محیط زیست امری حیاتی و لازم می باشد نتایج دستاوردهای آموزش محیط زیست را بایستی در دراز مدت طلب نماییم و هدف گذاری کلان در این بخش بر این مطلب استوار گردد.

خانم مهندس جواهریان: در برنامه ی سوم، مستقیماً در قانون برنامه، موضوع آموزش زیست محیطی را نداشتیم اما در برنامه چهارم، ماده «۶۴» به این امر پرداخته است. هم اکنون هم کارهای بسیار زیادی در زمینه آموزش همگانی با تاثیر گذاری بر روی گروههای اولویت دار و هدف مثل کودکان، زنان و مسئولین انجام گرفته است.

دوره های آموزشی تحت عنوان «ارتقای دانش زیست محیطی زنان شهری و روستایی» با همکاری مرکز امور مشارکت زنان برگزار گردیده است. در تمام استانها، ۱۰ خانم را با تحصیلات محیط زیست یا عضو NGO های علاقه مند، به عنوان آموزشگر محیط زیست آموزش داده ایم. رشد NGO های زیست محیطی، بالاترین رشد NGO ها است.

همچنین بسترهای آموزشی برای کودکان، نظیر سرگرمی های زیست محیطی به صورت CD، چاپ کتاب، پوستر و بروشور ویژه کودکان و ترانه های زیست محیطی (که از طریق اینترنت در سایت سازمان و بعضی از طریق صداوسیما)، ارائه شده است.

امیدواریم این برنامه ها با پیشرفت بیشتر و وسیع تر در همه کشور انجام گیرد.

آقای دکتر بهرام پور: اگرچه میان سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ که به نام دهه جهانی آموزش برای توسعه پایدار نامگذاری شده است، می توان اقبال سازمان مان نسبت به این قضیه دانست اما بیان این نکته را ضروری می دانم که ما باید در

همه برنامه ریزی های خود سعی کنیم تا امر آموزش بویژه در حوزه حفاظت از محیط زیست نادیده گرفته نشود. در حالت کلی با تاکید بر آموزش معتقدم که آموزش باید زیربنای همه کارهای ما قرار گیرد و اینکه چرا تاکید بر این نکته دارم به این علت است که همان طور که ما آموزش را بر جلوگیری از اعتیاد لازم می دانیم برای این است که انسان محور توسعه پایدار است و یا اینکه بر ضرورت آموزش اصول درست رانندگی کردن تاکید می شود به این علت است که رانندگی ایمن در جاده ها باعث سلامت می شود. بنابراین می توان گفت که آموزش مباحث مربوط به محیط زیست و توسعه پایدار نیز از آن جهت مهم است که انسان آموزش دیده و خردمدار در عرصه استفاده از مواد چنانچه با دقت بیشتری عمل کند، به همان میزان و به نحو بهینه تری می تواند سود ببرد. به همین دلیل است که انسان خردمندی که در عرصه محیط زیست وارد می شود و می خواهد از آن بهره برداری مناسب کند، هر چه آگاهانه تر این کار را انجام دهد، میزان آسیب رسانی او به طبیعت کمتر و میزان بهره برداری منطقی او از طبیعت بیشتر خواهد بود که این یک رابطه کاملاً دو طرفه می باشد. باتوجه به مطالبی که ارائه شد باید بگویم که برنامه ریزی کلان کشور برای ما آغاز خوبی بوده است به طوری که در برنامه چهارم می بینیم که بحث آموزش به طور کامل مطرح می شود و البته امیدواریم که با معیار قراردادن امر آموزش در چارچوب برنامه های مقطعی بعدی مانند بودجه ریزی ها، شاهد حرکتیهای بهتری باشیم.

به اعتقاد من با عنایت به آموزش کودکان و نوجوانان و نیز با آموزش مدیران در تمام سطوح می توانیم به موفقیت بیشتری دست یابیم. درباره موضوع اخیر باید بگویم که مدیران ما باید به تولید فکر کنند و در حقیقت اگر در آنها این تفکر را به وجود آوریم که محیط زیست جایگاه خاص خود را دارد، در آن صورت خواهیم دید که در بسیاری از برنامه ریزی های داخلی خود رویکردهای

محیط زیستی خود را توسعه خواهند داد.

بنابراین می توان گفت، اولویت آموزشی در این دهه در مقطع اول برای سیستم آموزشی کشور این است که مدیران ما باید دوره خاص آموزش زیست محیطی ببینند یعنی همان کاری که ما در سازمان حفاظت محیط زیست برای همکاران خود اجرا کردیم و این طرح بسسه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور نیز ارائه شد تا در قالب تقویم آموزشی برای همه استانها اعلام شود که خوشبختانه در خیلی از استانها اجرا شده است. این طرح از سال ۸۲ تا ۸۳ اجرا شد. به نحوی که در سال ۸۳ یک دوره ۶ نفره با همکاری مرکز آموزش و پژوهش استان تهران برگزار گردید و امید بر این است این روند را در سال ۸۴ به نحوی ادامه دهیم که آموزشهای زیست محیطی برای مدیران الزامی شود، زیرا به نظر می رسد که اکثر مدیران ما چه در بخش خدمات و چه در بخش صنعت باید با مسایل زیست محیطی آشنایی بیشتر یابند و آموزشهای لازم را در این زمینه به دلیل اینکه اگر حتی یک مدیر در بخش خدماتی مثل ثبت احوال بدانند که کاغذ را نباید زیاد مصرف کند و به درست استفاده کردن و هدر ندادن آن توجه کند. کافی است در این حالت او همین اطلاعات را در اختیار دیگر کارمندان قرار می دهد. یا یک مدیر در سطح کلان که در حوزه صنعت فعالیت می کند اگر بر اثر آموزش نگاهش نگاهی درست به محیط زیست و توسعه پایدار شود به این نکته به خوبی توجه خواهد کرد که با سرمایه گذاری در این موضوع، فرایندی که محصولش در آن تولید می شود فرایند سبز خواهد شد و از آنجایی که هزینه آن بر روی تیراژ بالای محصولش سرشکن خواهد شد، بنابراین هزینه آنچنانی برایش نخواهد داشت. طوری که می تواند در کمتر از یک سال تمام هزینه های خود را جبران کند.

این نکته را بیان کنم که تفکر توسعه پایدار برای صنایع ما بویژه صنایع مادر، خوشبختانه جا افتاده است، طوری که می توان گفت نگاه در این زمینه نگاه خوبی است ولی برای رسیدن

به حد مطلوب، فاصله زیادی وجود دارد.

نتیجه گیری: افزایش ناپایداری و تهدیدهای زیست محیطی بشر را ناگزیر کرده است که برای استمرار حیات خویش چاره اندیشی کند. بهبود وضعیت محیط زیست به این هدف کمک شایانی می کند. امروز شیوه های متعددی برای بهبود محیط زیست مطرح می شود. رویکرد بازدارندگی و رویکرد مبتنی بر اخلاق و رویکرد توسعه فرهنگی دانایی محور از جمله شیوه های مقابله با آسیب ها و تهدیدهای زیست محیطی محسوب می شوند. در این میان نقش و اهمیت رویکرد توسعه فرهنگی به نحو چشمگیری از دیگر رویکردها بیشتر است. این رویکرد کم هزینه، فراگیر و پایدار است و در عین حال از مقبولیت اجتماعی بالاتری نیز برخوردار می باشد.

مهمترین ابزار توسعه فرهنگی دانایی محور در حوزه محیط زیست آموزش است. مبانی حقوقی آن در سطوح بین المللی فراهم و در سطح ملی توجه به آن روزافزون است. برنامه چهارم توسعه کشور نسبت به سه برنامه قبلی، آموزش محیط زیست و توسعه پایدار را جدی تر گرفته است. ایران در آغاز دهه آموزش برای توسعه پایدار می تواند به هماهنگی برنامه های پیش بینی شده خود با دستور کار ۲۱ و سایر الزامات بین المللی استناد کند اما در بعد عملی باید منتظر اقدامات بماند. معمولاً برنامه های توسعه در کشورهای در حال توسعه زیبا نوشته می شوند اما به همان زیبایی اجرا نمی شوند. چرا که توجه به واقعیات در مرحله برنامه ریزی اندک است.

بنیاد فرهنگی و اجتماعی هر جامعه ای به آموزش و آگاه کردن مردم متکی است با آموزش. فرهنگ زیستی و اجتماعی و اخلاقی افزایش می یابد و احترام های اجتماعی به طبیعت، اجتماع و... رشد می کند. در حقیقت با آموزش، جهل و فقر فرهنگی کمتر شده و مردم آماده رشد فرهنگی می شوند. به شرط اینکه در کنار آموزش، خدمات و سرویس دهی نیز انجام شود و دولت در صدد رفع مشکلات نیز باشد.

در آن صورت مردم درخت، خاک، گل و... را جزئی از اموال خود دانسته برای حفظ و پایداری آن اقدام می کنند اما این آموزش فقط برای مردم به تنهایی عمل نمی کند، دولتمردان و برنامه ریزان نیز باید در کنار مردم آموزشهای زیست محیطی را بپذیرند تا عمق مسئله را درک کنند، متأسفانه در برنامه سوم و مقایسه آن با برنامه چهارم، آموزشهای زیست محیطی بسیار کم رنگ تر شده و تخریبها و فجایع زیست محیطی بیشتر نشان از واقعیت این مساله دارد.

آموزش باید مدام همراه با وزارت آموزش و پرورش، صدا و سیما، روزنامه ها و با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست و دلسوزانه باشد. به صورت مقطعی همراه با مسائل سیاسی و کینه ورزیهای شخصی کاری پیش نمی رود. محیط زیست تخریب شده داغون با آلودگیهای ناشناخته بیماری زا، ریشه در اقتصاد، سیاست و فرهنگ، باز می کند.

عواقب بیماری زیست محیطی دیر یا زود دامنگیر همه می شود پس بهتر است به کمک آموزش به صورت مداوم از خشم طبیعت و نابودی ثروتهای خدادادی خود جلوگیری کرده و باعث پیشگیری از بحران های زیست محیطی شویم. این را می توان از کشورهای موفق الگوبرداری کرد.

یکی دیگر از مشکلات برنامه های توسعه پیش بینی نشدن راهکارهای عملیاتی برای اجرای برنامه هاست. در کشور ما هماهنگ نبودن سازمانهای متعدد برای آموزش توسعه پایدار چالش جدی است.

برای رفع این مشکل تنها می توان به کمیته ملی توسعه پایدار به عنوان هماهنگ کننده فعالیتهای توسعه ای کشور امیدوار بود. اما ناکافی بودن سطح و مسئولیتهای کمیته ملی مشکل بااهمیتی می باشد. دور از ذهن نیست اگر گفته شود دهه آموزش برای توسعه پایدار در ایران به سهولت، برنامه های مورد نظر را پیاده نخواهد کرد. مگر اینکه سازوکارهای عملیاتی نمودن آن از قبل فراهم آید. نقش شورای عالی حفاظت محیط زیست در این رابطه قابل اهمیت است. □